

تصدیق اصالت گرفتند!

شاید اثر تصادفهای جزئی پیش نمی‌آمد و اثر میلیونر امریکائی به نابلوه‌های گویا و تگزکو که در مادرید خریده بود و کار المیر هم نبود مشکوک نمی‌شد و از متخصصینی برای بازدید نابلوه‌های خود دعوت نمی‌کرد و با اختلافی که بین دو همکار پیش آمد بروز نمی‌کرد هنوز صدها نابلوی تقلبی به میلیونها دلار فروخته می‌شد. جالب آنجاست که وقتی متخصصین و کارشناسان متوجه شدند که ۱۲ نابلوی میلیونر امریکائی تقلبی است حتی برای لحظه‌ای تصور نمودند که تمام این نابلوها که به‌نقاشان مختلف تعلق دارد اثر دست یک نفر است. کلوئس پرل کارشناس مشهور بین‌المللی در این مورد می‌گوید: «برای من چنین تصویری امکان نداشت. زیرا شیوه‌کار هر نابلو، ممتاز بود و هیچگونه شباهتی بین آنها دیده نمی‌شد.»

دو کلاهبردار اینک در سوئیس زندانی هستند ولی هیچگونه مدرک و دلیلی علیه المیر دوهوری که از اسپانیا رانده شد و اینک ایام پیری و سختی را در برنقال می‌گذراند، وجود ندارد. زیرا به‌فرض آنکه مسلم شود این نابلوها همه کار دست اوست نمی‌توان دلیلی بدست آورد که او این نابلوها را بقصد فروش یا کلاهبرداری تهیه کرده است.

هفته‌نامه اکسپرس

## HISTOIRE DU DEVELOPPEMENT CULTUREL ET SCIENTIFIQUE DE L'HUMANITE

### تاریخ رشد فرهنگی و علمی بشر

اخیراً سازمان یونسکو مجموعه‌ای در هشت مجلد بایش از شش هزار صفحه مطلب و تصویر و طرح و نمودار و نقشه زیر عنوان «تاریخ رشد فرهنگی و علمی بشر» منتشر کرده است (این مجموعه در ۹ مجلد خواهد بود که جلد آخر آن هنوز منتشر نشده). هر جلد مشتمل بر دو کتاب است و به این ترتیب تاریخ بشر از دورترین اعصار تا امروز در شانزده کتاب عرضه شده و به جرأت می‌توان گفت که این کامل‌ترین، دقیق‌ترین، صحیح‌ترین و بیطرفانه‌ترین کتابی است که تا امروز درباره «تاریخ بشریت» برشته تحریر درآمده است. «کمسیون بین‌المللی یونسکو» وظیفه تهیه و تدوین این مجموعه‌ی بزرگ را به‌عهده داشته است. در این کمسیون ۲۲ نفر از دانشمندان جهان شرکت دارند و همه آنها مشترکاً در نگارش این تاریخ همت گمارده‌اند و بعلاوه ۹۲ دانشمند دیگر از ۴۲ کشور جهان در تمام مدت تألیف این مجموعه با اعضای «کمسیون بین‌المللی» در رابطه دائم بوده‌اند و درباره مسائلی که در صلاحیت علمی ایشان بوده است با آنها مشورت شده و نظرات آنان یا در متن اصلی «تاریخ

بشریت» ویا در حواشی کتاب آمده است. معرفی چنین اثر عظیمی در نوشته‌ای کوتاه بسیار دشوار و بهرحال نارسا خواهد بود. با اینهمه می‌گوشیم که در اینجا چهره‌ای از این اثر بزرگ نیمه دوم قرن بیستم را که به‌حق می‌توان گفت مؤثرترین و مفیدترین کاری است که «یونسکو» تاکنون انجام داده

بشماریم. «رته‌هاو» «مدیر کل «یونسکو» در مقدمه این کتاب نوشته است: «در لحظاتی که انسان خود را آماده جهش به خارج از کره زمین می‌کند، شایسته است که متن تاریخی دقیقی، او را در مشاهده مسیری که از دورترین اعصار تا امروز پیموده یاری کند. موجودی که اینک دل آسمان‌ها را می‌شکافد و به کرات فضای بی‌پایان دست می‌اندازد، زمانی ضعیف‌ترین موجودات روی زمین بوده‌است و سراسر عرش با ترس و وحشت از طبیعت و مخلوقات دیگر می‌گذشته است. و امروز، همین انسان که قدم در آستانه عصر تسخیر فضا گذاشته بیش از هر زمان خواهان آن است که از گذشته خویش از راه‌های پربینج و خمی که پیموده، از مسیری که از آغاز تا امروز طی کرده، با خبر شود. گویی به برقرار کردن تعادل هرغوزی بین زمانی که پشت سر گذاشته و فضایی که در پیش پای خود دارد نیازمند است: هرچه درضا بیش‌تر می‌رود، می‌خواهد از گذشته‌ها بیشتر آگاه شود، می‌خواهد در آن واحد هم سراسر فضا را در آغوش بگیرد و هم تمام گذشته را در ذهن خود مجسم کند و این یک نیاز طبیعی و هرغوز است که هنوز سر آن آشکار نشده‌است...» هدف از تألیف این کتاب روشن کردن این نکته‌است که در جوامع مختلف‌الاشکل انسانی، پیشرفت فرهنگ و دانش چگونه بوده است. انتخاب چنین دیدگاهی

# معرفی کتاب

برای مشاهده تاریخ بشر با زاویه‌های دند معمول در علم تاریخ ، فرق می‌کند و می‌دانیم که تاکنون محرك اصلی بیان تاریخ معلوم ساختن عوامل سیاسی و اقتصادی و در مرحله نهایی بیان تحولات مبتنی بر پیروزی‌های نظامی بوده است . و اینک تمام تاریخ بشر ، از آغاز تا امروز با دیدی جدید بررسی می‌شود . . . و هدفش این است که بیان وجدان جهانی بشر باشد . »

در اینجا قسمتی از نخستین جلد این مجموعه را درباره زبان و اندیشه انسان‌های نخستین به اجمال نقل می‌کنیم .

## پیدایش اندیشه زبان

. . . شگفتگی شعور وجدان ، موضوع ذاتی و اساسی تاریخ است . هیچ چیز اساسی‌تر از شرح چگونگی توسعه و رشد قدرت معنوی و اندیشه انسانی که سرچشمه و منبع تمام عظمت اوست نمی‌تواند باشد . بعضی از مکتب‌های جامعه‌شناسی ، ساختن ابزار و آلات را ، منشأ حرکت بسوی ترقی در نوع انسان می‌دانند ، بعضی دیگر اندیشه انسان را نتیجه حرکت انگشتان ، و بطور کلی توسعه مغز را نتیجه افزایش قدرت دست می‌انگارند . اما از لحاظ زیست‌شناسی ، افزایش نیروی

بینائی و پیدایش توانائی دید استرئوسکوپیک یا برجسته‌بینی در نوع انسان سرچشمه زاینده اندیشه است . اگر قدرت بینائی انسان کمتر از این بود و یا چشمها حرکت دورانی مشترک و هماهنگ را نداشتند و برجسته‌بینی در انسان وجود نداشت ، بطور قطع تمدن امروز در روی زمین به وجود نمی‌آمد .

بسیاری از مکاتب جامعه‌شناسی در مورد اهمیت فوق‌العاده دست در تحول جوامع انسانی و بطور کلی در پیشرفت اندیشه بشر راه مبالغه پیموده‌اند . البته تردید نیست که شکل دست آدمی یعنی قرار گرفتن شست در برابر چهار انگشت دیگر و توانائی دست در گرفتن و کشیدن و پرتاب کردن اشیاء در تکوین اندیشه نقش مهمی داشته است ولی این نقش فقط نقشی وابسته به مغز انسان بوده که خود رو به توسعه و تکامل داشت . **انسان و مطامع فرس**

رشد مغزی اجداد انسان هنگامی شروع شد که درختان را رها کردند و تغذیه گیاهی محض را کنار گذاشته و به محیط‌های باز قدم نهادند و گوشتخوار شدند . از طرفی این موجود ضعیف که نه چنگال‌های تیز و نه دندان‌های برنده برای کشتن و قطع‌قطع کردن حیوانات داشته لزوم ساختن ابزار و آلائی را احساس کرده است . استفاده از دست در ساختن آلات

و ابزار شاید به توسعه يك توانائی و استعداد دیگر در انسان نیز کمک کرده باشد و آن قدرت بیان یا عبارت دیگر استفاده از زبان است .

در این مورد مطالعه شده است که هرگونه حرکت ارادی دست موجب حرکت غیر ارادی دهان می‌شود که با آن همزمان و مقارن است و احتمال دارد که عادت ارتباط پیدا کردن با دیگری از طریق دست به پیدایش ارتباط مقارن و همزمان آن ، یعنی ارتباط از راه صدا کمک کرده باشد و زبان را به وجود آورده باشد . اما در این مورد که حتماً حرکات دست موجب پیدایش زبان شده باید تأمل بیشتری کرد و یکبارہ تسلیم قانون علیت نشد . زیرا همانطور که بسیاری از میمون‌ها اگر دارای مغزی همسطح مغز انسان بوده‌اند می‌توانستند با دست‌های خود همان کارهای دشواری را انجام دهند که انسان با دست‌هایش انجام می‌دهد ، همانطور هم می‌توان گفت که اگر توانایی مغزی آنها مانند انسان بود بآنها زبان و سقف دهان و تارهای صوتی خود می‌توانستند سخن بگویند ! آنچه کم دارند در واقع توانائی فکری است نه وسائل ایجاد اصوات و کلمات . این توانائی فکری در نوع انسان چگونه پیدا شده است ؟ اینکه بگوئیم احتیاج به تیزبینی و باریک‌بینی و دوربینی ، توانائی استفاده از دست‌ها و گرفتن

و کوبیدن و پرتاب کردن اشیاء ، لزوم بریدن گوشت ، تمرکز ذهن برای ساختن ابزار ، خلاصه همه این عوامل مادی موجب تکثیر سلول‌های مغزی در داخل جمجمه شده و هر نوع افزایش سلول مغزی خود بخود موجب توسعه توانائی‌ها و قدرت‌ها و استعداد های انسان گردیده ، نوعی ساده‌جوئی و راحت طلبی در کشف معماست . یکی از مکاتب زیست‌شناسی ، تکامل نوع انسان را یک تکامل جینی میدانند . بهر حال دقیقاً نمی‌توانیم بگوئیم که چه عاملی موجب توسعه مغز انسانی و شناسائی او بر احوال خود و محیط اطرافش گردید . اما دانش زیست‌شناسی و کالبدشناسی بدون اینکه منشأ و مبدأ تحولات را بما بشناساند ، چگونگی تمایز ذهن انسان را از حیوانات بیان می‌کند و این خود قدم بزرگی است که در راه آگاهی بر پیدایش زبان و اندیشه برداشته شده است .



بزرگی مغز در پشت استخوان پیشانی و داخل استخوان شقیقه‌ها در میان تمام انواع جانداران ، خاص انسان است . در این قسمت‌های مغز ، در میان میلیون‌ها سلول عصبی ، گروه‌های متعددی وجود دارد که هیچ ارتباطی با اعمال مختلف جسمانی ندارند ، بلکه فقط به حفظ خاطرات و تداعی آنها با یکدیگر مربوط می‌شوند .

حافظه و تداعی معانی ، که نیروی درک‌تصاویر را در ما به وجود می‌آورد ، توانائی لازم برای شعور به ذات خویش ، فهم گذشته و آینده ، پیش‌بینی هوشمندانه و استقرار سنت‌هایی را به ما می‌دهد که به یاری آن ، هستی قدیم نژادها به یکدیگر پیوند می‌خورد .

بررسی مسأله « حافظه » را اگر از دید زیست‌شناسی کنار بگذاریم و آن را در زمینه فرهنگی مورد توجه قرار دهیم ، می‌بینیم که این ذخیره کردن تصاویر و انعکاس‌های دنیای خارج در مغز را می‌توان « بعنوان ذخیره کردن آزمایش‌ها و تجربیات انسانی » تعبیر کرد .

همینطور ذخیره شدن « علامت صوتی اشیاء » در ذهن ، کم‌کم امکان این را فراهم آورد که این اشیاء را بنامیم و اسمی بر آنها بگذاریم . بعدها با اختراع خط ، بشر توانست تمام تجربیات و اکتشافات خود را که در واقع « حافظه اجتماعی » بود ، به نسل‌های بعد منتقل کند .

وجدان انسانی که در نتیجه رشد مغز پیدا شده بود و او را بیش‌ازپیش شاعر برجدائی‌اش از طبیعت می‌کرد ، دو جهت اصلی و متباین پیش‌گرفت : از یکطرف منجر به تسلط بر محیط و اشیاء اطرافش گردید و همین راه منتهی به ساختن ابزار و وسائل و حصول ترقیات تکنیکی و علمی شد . جهت

دیگر کوشش برای سنتز بود ، کوششی بمنظور آمیختگی انسان با جهان ، چیزی که پیدایش وجدان او را طبعاً از آن دور میکرد . این راه منجر به برپا داشتن مراسم ، به خلاقیت هنری ، به گرایش بسوی اعتقادات ماوراءالطبیعه ، به عرفان و به بعضی صور فلسفه شد . امروز با گذشت زمان مطالعه تکامل زندگی انسان در راه اول آسانست . زیرا تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناسی - که متأسفانه تنها راه بررسی تاریخ است - روز بروز توسعه می‌یابد ، اما تمدن و تکامل انسان را در راه دوم که معنوی بوده چگونه می‌توانیم مورد بررسی قرار دهیم ؟

ما امروز از ساخته‌های صنعتی و طرز زندگی و مسکن انسان‌ها در دوران پارینه سنگی و نوسنگی اطلاع داریم زیرا آلات و ابزارهای که انسان‌ها می‌ساخته‌اند و بکار می‌برده‌اند ، مسکن آنها و طرز ساختمان آن را ، خلاصه مظاهر زندگی مادی او را در نتیجه کاوش‌ها معلوم ساخته‌ایم . ولی از زندگی معنوی او چه می‌دانیم ؟ از هنر و مراسم مربوط به عزاداری در عصر حجر جدید باخبریم ولی پیش‌از آن نیز صدها هزار سال انسان زندگی معنوی داشته ، حیات درونی داشته و دارای هنر و معتقداتی بوده است . ما از نظر مادی می‌دانیم که چگونه ساختن آلات سنگی ابتدائی از سلاح‌های نوک‌تیز به « چکش

بر دسته « تحول پیدا کرد، اما از فکر انسان در همان دوران بی خبریم. در این زمینه، جز حدس و گمان هیچ وسیله دیگری نداریم . . .

در باره‌ی زندگی هنری انسان‌های اولیه و کشش آنها بسوی زیبایی و نظریه هست: یکی اینکه وقتی تخیل برای انسان پیدا شد، قادر به این گشت که تصویر اشیاء را در ذهن خود مجسم کند، بدون اینکه آن اشیاء در برابر نظرش باشند. در چنین مرحله‌ای انسان سلاح سنگی نوک‌تیز یا دو پهلوئی که می‌خواست بسازد در داخل قطعه سنگی که در برابرش بود می‌دید. احساس او در آن موقع درست مثل احساس مجسمه‌سازی است که در برابر سنگ مرمر بزرگی قرار دارد و خطوط و اندام مجسمه‌ای که می‌خواهد بسازد در داخل آن سنگ می‌بیند.

در همان موقع انسان در ساختن ابزار و آلات سنگی به پیروی از تخیل خود کوشی بیش از حد لازم می‌کرد و بسیاری از ساخته دست انسان آن روز نشان می‌دهد که این همه کوشش بخاطر صاف بودن سطوح و هماهنگ بودن خطوط جوانب شیئی ساخته شده، هیچ تناسبی با احتیاجات عملی بآن شیئی ندارد. همین اشیاء بود که بعدها مورد ستایش قرار گرفته و باقیمانده تأثیر آن را در تمدن‌های بعدی و پیش‌رفته انسان‌ها می‌بینیم.

تبر یا چکش بصورت سمبل و مظهری درمی‌آید و بدون اینکه عملاً مورد استفاده قرار گیرد در مراسم، مقام خاصی پیدا می‌کند.

نظریه دیگر در مورد احساس زیبایی این است که چنین احساسی هیچ ارتباط به تجربیات انسان اولیه در ساختن آلات و ابزار ندارد و اصولاً در نهاد انسان کششی طبیعی و ذاتی بسوی هماهنگی با جهان و ایجاد آنچه خود هماهنگی دارد موجود است. سرودها، رقص‌ها، نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی که انسان ساخته نتیجه این جستجوی هماهنگی است و این خصیصه معنوی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و امروز گنجینه عظیم هنری انسان را به وجود آورده است.

این نظریه که مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان است اگر درست باشد لاقلاً این حقیقت را می‌رساند که تمام انواع و نژادهای انسانی در یک چیز وجه مشترک دارند و آن کشش بسوی مفهوم و معنی زیبایی است.

اگر این امر واقعیت داشته باشد باید گفت که عرفای شرق حق داشتند که احساس و شور و شوق و هیجان را تنها راه رسیدن بیک وحدت تشخیص داده بودند.

این مسأله که ممکن است نوع انسان در زمینه درک زیبایی یا به عبارت دیگر تصور یک نوع شکل و وزن و حجم و خط، و ارث نهادی

بسیار کهن باشد اهمیت اساسی دارد. اگر می‌بینیم دو قوم که بسیار دور از هم زندگی می‌کنند دارای یک نوع ابزار و آلات، یک جور افسانه و قصه و یک طرز نقاشی و مجسمه سازی هستند طبیعی است که اول باید تحقیق کنیم و ببینیم آیا ارتباطی با هم داشته‌اند و این مظاهر زندگی مادی و معنوی از یکی بدیگری منتقل شده است یا نه. اگر هیچ دلیلی به وجود ارتباط بین آنها پیدا نکردیم آنوقت می‌توانیم فرض کنیم که هر دو از سرچشمه میراثی کهن سیراب شده‌اند و در وجود هر دو چیزی است که نشانه وحدت معنوی بین آنهاست.

\*\*\*

می‌گویند انسان هنگامی استفاده از زبان کرد که توانست آلات و ابزار سنگی بسازد اما دلیل قاطعی بر این فرض نیست. هیچ ثابت نشده است که بکار افتادن هوشمندانه دست و چشم در ساختن ابزار موجب پیدایش زبان شده باشد. بهر حال تردید نیست که زبان يك «اختراع» است. چیزی است که انسان مخترع آن بوده است زیرا زبان جزو لاینجزای وجود انسانی نیست در حالیکه در پرندگان خواندن و در درندگان نعره زدن جزو لاینجزای وجودشان است. با این همه منشاء زبان یعنی ارتباط بوسیله سخن همچنان نامعلوم است. ما درست نمی‌دانیم که چرا و چگونه

این اختراع صورت گرفت .

دربیان استفاده از زبان قابل قبولترین فرضیه‌ها این است که نخستین اصوات قادر به انتقال معانی، همراه و همزمان با حرکات، مخصوصاً حرکات دست بوده‌است. آنهایی که طرفدار این نظریه هستند بعنوان دلیل، ارتباط بین حرکات دست و دهان را مثال می‌آورند و نمونه آن را حرکات زبان کودک در نخستین مراحل آموزش نوشتن ذکر می‌کنند و با حرکات دستهای او را هنگام نخستین دوران سخن گفتن مثال می‌زنند. میمونها هم اغلب حرکات دست و لبهای خود را با یکدیگر مطابقت می‌دهند. بعضی از قبایل ابتدائی مثلاً قبایل استرالیا یا بومیان امریکای شمالی هنوز هم از « زبان اشارات » و حرکات استفاده می‌کنند و ممکن است این خود نشانه نوعی تحول در زمینه ارتباط معنوی انسان‌های اولیه با یکدیگر باشد. بعضی از قبایل بومی آمریکا زبان اشاراتی دارند که بیش از ۱۵۰ حرکت دست و بازو در آن تشخیص داده می‌شود. لال‌های مادر زاد که تحت تعلیم قرار گرفته‌اند برای بیان مکنونات خاطر خود حرکات ورژتهائی در چهره دارند که برای تمام مردم می‌تواند قابل فهم باشد. شاید این تنها ارتباط خاص نوع انسان باشد که قبل از اختراع زبان وجود داشته است. اگر تاریخچه پیدایش زبان را آنطور

که طرفداران ارتباط بین حرکات و اصوات نظر می‌دهند قبول کنیم باید تکامل زبان را باین ترتیب شرح دهیم :

ابتدا حرکات مختلف دستها و عضلات چهره همراه با اصوات زائده که شبیه تته پته کودکان بوده است. همین باصطلاح تته پته بعداً نوعی «شبه جمله» شده که اگر چه خود بخود هیچ مفهومی نداشته است ولی يك واقعه یا يك حالت خاص را بیان می‌کرده است. در مرحله بعدی، حرکات بجای آنکه عمومی و مغشوش باشند دقیق‌تر شده‌اند و اصوات نیز بعنوان نشانه يك حرکت، در دستها ظاهر شدند. این مرحله است که آغاز يك تفکر منظم قرار می‌گیرد. مرحله سوم رها کردن کامل حرکات و استفاده‌ی مطلق از اصوات معنی‌دار بوده که باین ترتیب کلمات و اسامی پیدا شده‌اند. امروز حرکات همراه با اصوات در بعضی جوامع حفظ شده در حالیکه در بعضی دیگر، حرکات بکلی از میان رفته است. از همان مرحله‌ای که اصوات معانی خاصی را بیان می‌کردند تحول فرهنگی انسان شروع شد و با پیشرفت فرهنگ اعداد پیدا شد. کالبد شکافی و مطالعه فیزیولوژی مغز انسان نیز نظریه ارتباط زبان و حرکات را تأیید می‌کند زیرا در مغز انسان مراکز خاص زبان وجود ندارد. از نظر مغزی کنترل زبان که

قسمتی از مرکز بینائی و مرکز شنوائی و انتهای منطقه تحريك اندام را در بر می‌گیرد در اشخاص باصطلاح جدیدت در نیمکره راست مغز و در اشخاص معمولی همیشه در نیمکره چپ است و احتمال دارد که این خود از نظر فیزیولوژی مبین ارتباط زبان با حرکات باشد.

بهر حال اگر هم نظریه ارتباط حرکات و زبان و تعیین حرکات بعنوان منشاء زبان صحیح نباشد باید گفت که با احتمال قوی بشر از مرحله تته پته کردن به مرحله ادای جملات معنی‌دار و پس از آن به مرحله ادای کلمات و اسامی رسید. اما هنوز معلوم نیست که آیا این جریان در يك منطقه از کره زمین و در میان یکی از اقوام انسانی روی داد و سپس بسایر جاها گشوده شد یا اینکه در يك دوره از تحول نوع انسان ناگهان در همه جا رخ داد. البته وجود زبان‌های مختلف در جوامع امروزی بشر، این را ثابت می‌کند که آخرین مراحل تحول زبان در جوامع مختلف بشری و مجزا از هم، پیموده شده‌است.

ترجمه و معرفی کتاب از :  
تورج فرازمنند



جوانان ، مراکز هنری و غیره نام برد .

در بخش بعدی که به مشخصات و وظایف مراکز فرهنگی اختصاص داده شده است ، برداشت کشورهای مختلف از فرهنگ و هدف آنها از مراکز فرهنگی ذکر شده است . ارتباط مراکز فرهنگی با سایر سازمانهای فرهنگی و آموزشی و شرایط لازم برای سازمان دادن به مراکز فرهنگی دو بخش آخر قسمت اول نشریه را تشکیل می دهند .



### مراکز فرهنگی در جهان

«مراکز فرهنگی در جهان» سومین جزوه از انتشارات دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر است. در مقدمه این جزوه چنین میخوانیم: «مرکز فرهنگی به مکانی اطلاق می شود که در آن ، فعالیت های مختلف فرهنگی صورت می گیرد . هدف این فعالیت ها بطور کلی ، آموزش مردم در یک یا چند رشته زدانش و فن نیست بلکه مقصود ایجاد تمایل و علاقه به دانستن و آموختن در آنها و کمک به رشد شخصیت و شکفتن استعداد های ایشان است .»

طبقه بندی مراکز فرهنگی ایران و مفهوم جدیدی که از مراکز فرهنگی وجود دارد مقدمه این نشریه را تشکیل می دهد . سپس به انواع مراکز فرهنگی در جهان اشاره شده است که از جمله این مراکز می توان از : خانه های فرهنگ ، خانه های

مادها و پارسها به این سرزمین نشان می دهد . آثار هنری و معماری موجود از این تمدن ها که از حدود ۳۰ قرن قبل از میلاد به این طرف در نقاط مختلف ایران مانند بمپور و تپه ابلیس در بلوچستان ، شوش در خوزستان ، حسنلو در آذربایجان ، سیلک در کاشان ، تورنگ تپه در گرگان و جز آن بدست آمده ، شاهد اصالت فکری شکارچیان ، کشاورزان و دامداران ساکن فلات ایران است .

با آمدن و مستقر شدن مادها در شمال غربی و پارس ها در جنوب و جنوب غربی از برخورد هنر گروه های تازه با هنر اقوام کهن فلات ایران هنر جدیدی به وجود می آید که با پلندپروازی های اقوام ایرانی که به تدریج بزرگترین شاهنشاهی تاریخ را پی افکنده ، منطبق است . بدین ترتیب تاریخ معماری بزرگ ما از اواخر قرن

قسمت دوم به معرفی انواع مراکز فرهنگی در کشورهای جهان می پردازد و در این زمینه ملاحظه انتخاب ، تنوع نمونه های مختلف از نظر جغرافیائی و سیاسی است و از آن جمله است : مراکز فرهنگی کشورهای فرانسه ، ایالات متحده امریکا ، تونس ، مجارستان ، اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن .

### گزارش تغییرات آثار تاریخی در ایران : تخت جمشید - اصفهان

تاریخ تمدن اقوامی که در سرزمین ایران در دامنه های زاگرس و البرز می زیسته اند ، تا حدود ۶۰ قرن قبل از میلاد بر ما روشن است . جستجوها و حفاری ها ، حرکت این اقوام را بطرف فلات ایران و مستقر شدن آنها را تا آمدن اقوام آریائی ، و بالاخره

هفتم قبل از میلاد و تاریخ شهر - سازی ایران از اواسط قرن ششم قبل از میلاد با سلطنت کوروش کبیر آغاز می شود. شوش، پاسارگاد و تخت جمشید نمایشگر نوگراییهای امیل در هنر معماری ایران است. درخشندگی و شکوه آثار معماری هخامنشی در دوره های بعدی نیز با روحیه و حالت های تازه ای ادامه می یابد. معماری ساسانی، اشکانی، ساسانی و صفویه هر کدام با شخصیتی درخشان و ارزنده مین این سخن است. «ترمیم و تعمیر صحیح» آثار تاریخی ایران، سرزمینی که در آن تمدن های مختلف همزمان با نخستین آثار بشری، ظاهر شده، امری است ضروری. مخصوصاً با توجه به این حقیقت که آب و هوای متغیر و وجود اقوام گوناگون در این منطقه آثاری متنوع و شگرف بجای نهاده است.

نظریه این ضرورت تعیین خط مشی و هدف برای تمامی آثار و بازمانده های باستانی و تاریخی ضروری می نماید. در نتیجه تشخیص اینکه کدام اثر باید ترمیم شود و کدام نوسازی، مشکل نخواهد بود. این برنامه قبل از هر چیز باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، مخصوصاً باید کلیه نقاط تاریخی کشور را شامل شود و در آن ارزش هراتر از نظر ویژگی های تاریخی، اختصاصی و زیبایی و جز آن تعیین

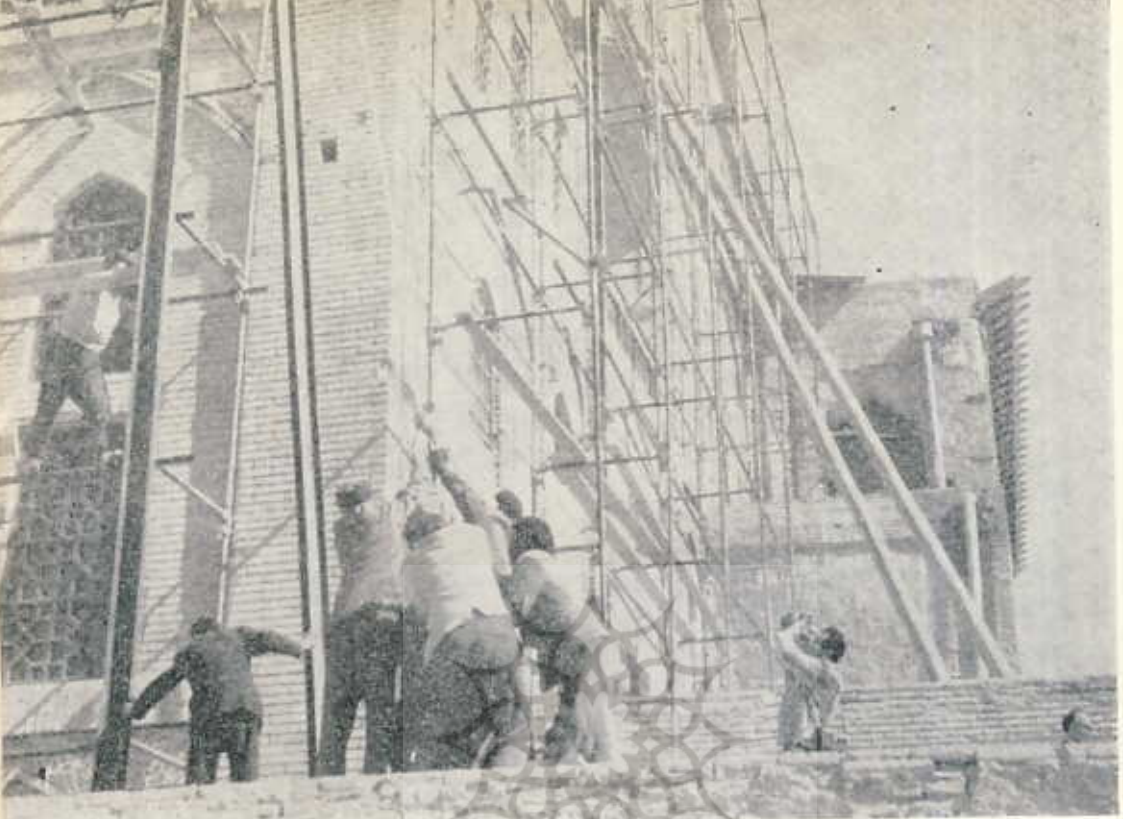
گردد.

متأسفانه بسیاری از آثار تاریخی ایران تاکنون بطریقی مرمت شده است که نه تنها کمکی به بهبود وضع بنا نشده بلکه بطرز فاحشی ارزش آن نیز پائین آمده است. از آن جمله می توان قصر سروستان در فارس و مقبره هارونیه در خراسان و ده ها اثر دیگر را نام برد. این روش غلط در ترمیم بناهای تاریخی کم و بیش ادامه دارد. به عنوان مثال می دانیم که اصالت گنبد های ایرانی در آن است که هنگام ساختن آنها از آجر استفاده شده، این تکنیک در موقع ترمیم هم باید عیناً رعایت شود. در حالیکه مدتی است برای تعمیرها از اسکلت فلزی استفاده می کنند. نمونه این ترمیم غلط، گنبد شاه چراغ در شیراز است و نمونه دیگر، گنبد عقی آباد که ساختمانی است مرکب از آجر و خشت و هم اکنون آنرا با بتن آرمه که از نظر فنی ۲۸ روز باید مرطوب نگاهداشته شود ترمیم می کنند و چون مرطوبت، اسکلت اصلی ساختمان را ضایع می کند نمی توان بتن را در این مدت مرطوب نگاهداشت. در حالیکه راه صحیح و منطقی این تعمیر طریقه آجری و فلزی بوده است.

با توجه به نکات فوق بی شک کوچکترین اقدام برای تعمیر آثار تاریخی باید به وسیله متخصصین

ماهر و با تجربه انجام شود. اهمیت این مطلب باندازه ایست که امروز برای هر نوع بنای سنگی، آجری، چوبی و جز آن، متخصصین جداگانه ای تربیت می شوند. برای «تعمیر صحیح» آثار تاریخی گذشته از افراد مجرب و متخصص، نقش برداری دقیق، آزمایش فیزیکی و شیمیایی روی مصالح، بررسی و چگونگی ساختمان، نحوه اتصال اجزاء، یکدیگر و محاسبه استقامت پی ها، و ده ها نکته دیگر ضروری است. در نتیجه این مطالعات بررسی تاریخ ساختمان و دوره های مختلف آن نیز ممکن می شود.

خوشبختانه مؤسسه ایتالیائی خاورمیانه و خاور دور با انتشار کتابی درباره عملیاتی که در ایران بآنها محول شده بود راهنمای خوبی در این مدت بدمت داده است. اولین دوره شامل گزارشهایی است که ایسمئو Ismeo (مؤسسه ایتالیائی خاورمیانه و خاور دور) درباره قسمتی از بناهای تخت جمشید و اصفهان در سال ۱۹۶۸ و در ۲۹ صفحه منتشر کرده است. این گزارشها به یاری آقای ژ - زاندر G. Zander برای چاپ آماده شده است و خلاصه ای است از نقش برداری ها و همچنین گزارشهایی مربوط به چگونگی عملیاتی که انجام شده و یا خواهد شد. به همین جهت گزارش هر قسمت از عملیات توسط



سزار کاربونه Cesare Carbone گزارشی در چگونگی شروع مرمت تخت جمشید تهیه کرده است که حاوی مطالعه مقدماتی و تشدیداری قسمتی از ساختمانهای تخت جمشید و از آنجمله در ورودی کاخ داریوش، کاخ صد ستون، کاخ آپادانا، قعر ختایارشا و . . . می باشد .

درباره تعمیر آثار تاریخی اصفهان تنها از کاخ عالی قاپو، چهار ستون و نقاشیهای دیواری آن گزارشهایی می خوانیم . اما در خاتمه گزارشها صورتی از نقشه های

انستیتوی مرکزی تعمیرات آثار تاریخی در رم با وی همکاری کردیم که در این مطالعات شرکتی که درباره تخت جمشید انجام شده است الحاقی بررسی آزمایشگاهی دقیقی است در خصوص تغییر شکل و پوسیدگی سنگها . این گزارش که توسط آقای پائولومورا Paolo Mora تهیه شده مدرک قابل توجهی است که بدون شك ادامه آن از نظر اتخاذ تصمیم در باره ترمیم و تقویت بناها و حتی پیش گیری از خرابی بیشتر مفید خواهد بود . سپس آقای

عمسول همان قسمت تهیه شده است .  
 پروفیسور ژ - توجی G. Tucci در مقدمه ، کتاب را به عنوان مدارک مقدماتی تعمیراتی که قبل از شروع بکار تعمیر تهیه شده است معرفی می نماید و امید می دهد که در جلد های آینده چگونگی انجام این عملیات و همچنین مطالعات دقیق تاریخی این آثار به دست داده شود . آقای پروفیسور توجی در مطالعه آثار و تهیه گزارشها عده زیادی همکار و متخصص با ارزش داشته است . ضمناً آزمایشگاه فیزیک و شیمی و همچنین قسمت عکاسی



تعدادی از آثار اسلامی اصفهان آمده است ، از جمله قصر هشت بهشت و مسجد شیخ لطف‌الله و پل‌های دوره صفویه ؛ پل الله‌وردی‌خان ، پل خواجو و پل چوبی و در استان اصفهان مسجد جامع نطنز و اردستان و زواره . گزارش مطالعات مربوط به بناهای کاخ عالی‌قاپو و چهل‌ستون نشان می‌دهد که تا چه حد گروه ایتالیایی حساسیت و دقت نشان داده‌اند . موشکافی و جستجوی بی‌گیر برای شناختن ساختمان و دست یافتن به نقاط ضعف آن و در نتیجه بررسی اجزاء و مطالعه راه حل‌ها و در نتیجه انتخاب بهترین طریقه برای تعمیر . در مورد مرمت نقاشیهای دیواری چهل‌ستون نیز که گزارش آن را آقای بائولو موررا تهیه کرده است ، باید گفت که در اثر این ترمیم‌ها دریچه جدیدی بروی هنر مینیاتور صفویه گشوده شده‌است . متأسفانه امروز نقاشیهای دیواری بازمانده از دوره صفویه انگشت شمار است با این وجود ترتیب ترمیم صحیح نقاشی‌های اصیل صفوی برای ما حقیقتاً ارزش فراوان دارد .

مالدوئی انستیتوی جدیدی در ایران ریخته شود . در این مدت که متخصصین ایتالیایی ارزنده‌ترین آثار معماری ایران را مطالعه و بررسی و ترمیم می‌گردند فرصت مناسبی پیش آمد ، تا گروهی ایرانی در کنار آنها با این حرفه که مورد نیاز مملکت ماست آشنا شوند ، اما متأسفانه اینکار انجام نشد و حتی تاکنون گامی اساسی در این راه برداشته نشده‌است . انتقاد من هم متوجه دوستان ایتالیایی و هم متوجه مسئولین امر در ایران است .

محمد رضا مقتدر



### تاریخ زبان فارسی

نویسنده : نادر خالجرای

ناشر : بنیاد فرهنگ ایران -

(۲۴) زبان شناسی ایرانی (۱)

قطع وزیری ، ۳۳۵ صفحه بیا

۲۵۰ ریال .

دکتر خالجرای چند سال است به مباحث کلی زبان پیوسته زبان فارسی ، می‌پردازد و مجموعه‌ای از مقالات خود را در این باب بصورت کتاب مستقل نیز نشر داده است . چنانکه از مقدمه کتاب تاریخ زبان فارسی دانسته میشود بنای این کتاب بر چهار جلد نهاده شده‌است و در جلد اول که از نظر تاریخی به استیلاي اسلام در ایران پایان می‌پذیرد مؤلف کلیاتی از مسائل مربوط به زبان را که برای فهم مباحث بعدی کتاب ضرورت دارد مطرح ساخته‌است : «زبان چیست؟»

«گفتار» ، «واحد صوتهای ملفوظ» ، «دستگاه گفتار» ، «تحول زبان» ، «تحول الفاظ ومعانی» و «انواع زبانها» . . . و پس از آن به زبانهای ایرانی باستان و ساختمان آنها و نیز زبانهای غیر ایرانی که در این سرزمین رایج بوده و در تحول زبانهای ایرانی تأثیری داشته‌اند می‌پردازد ، «زبانهای ایران باستان» ، «ساختمان پارسی باستان» ، «زبانهای ایرانی عیانه» «خط و ساختمان زبان پهلوی» . این کتاب در حقیقت بحث‌صورت‌های گوناگون زبان فارسی را در طی تاریخ برای ما می‌گشاید و بقول مؤلف ، با آنکه «تاریخ زبان علم تازه‌ای است» ما را با زبانشناسی تاریخی خودمان آشنا می‌سازد .

گزارش فعالیت‌های فرهنگی ایران  
 «گزارش فعالیت‌های فرهنگی  
 ایران در سال ۱۳۴۷» نشریه شماره  
 ۴ دبیرخانه شورای عالی فرهنگ  
 و هنر است.

این گزارش آگاهی تا حد  
 امکان دقیق و روشنی از کلیه  
 فعالیت‌هایی که در زمینه اشاعه  
 فرهنگ و حفظ و احیای میراث  
 فرهنگی از طرف مؤسسات و  
 سازمانهای دولتی و غیردولتی در  
 ظرف سال ۱۳۴۷ در ایران صورت  
 گرفته، بدست می‌دهد.

از آنجا که کار اصلی شورای عالی  
 فرهنگ و هنر ایجاد هم‌آهنگی در  
 فعالیت‌های فرهنگی کلیه سازمانهای  
 کشور و ایجاد زمینه مناسب برای  
 اجرای سیاست فرهنگی است،  
 ناچار به بررسیها و پژوهشهایی که  
 بتواند کم‌وکیف فعالیت‌های  
 فرهنگی را در مرحله کنونی نشان

دهد و چگونگی و روابط عناصر  
 مختلف فرهنگی را مشخص سازد  
 نیازمند است، و چون تاکنون  
 گزارشی که فعالیت کلیه دستگاههای  
 دولتی و خصوصی را دربرگیرد تهیه  
 نشده بود ناچار دبیرخانه شوری  
 این امر را خود بعهده گرفت و این  
 گزارش را که حاصل کوشش و  
 همکاری عده بسیاری از مسئولان  
 و متصدیان سازمان‌های مختلف  
 دولتی و غیر دولتی یا  
 کارشناسان دبیرخانه است در  
 دیماه ۱۳۴۸ به پایان رساند و

منتشر ساخت. این گزارش مشتمل  
 بر یک مقدمه و چهار بخش و یک  
 ضمیمه است. بخش اول به میراث  
 فرهنگی اختصاص دارد و شامل  
 کوششهایی است که در این زمینه  
 در کشور صورت گرفته از قبیل  
 کاوشهای باستانشناسی، حفظ آثار  
 و ابنیه تاریخی و متون کهن و  
 نسخه‌های خطی و پژوهش در  
 فرهنگ عامه. در بخش دوم آمارها  
 و اطلاعات مربوط به وسایل اشاعه  
 فرهنگ ذکر شده و درباره هر یک  
 از این وسایل چون کتاب،  
 مطبوعات، فیلم، تئاتر، موسیقی  
 جشنواره‌ها و کنگره‌ها و سمینارها  
 و هفته‌ها و مجالس شعرخوانی و  
 بزرگداشت‌ها و اعطای جوایز  
 فرهنگی و همچنین برنامه‌های  
 فرستنده‌های رادیو و تلویزیون در  
 سراسر کشور آگاهی جامع و شامل  
 داده شده است.

بخش سوم مربوط است به  
 مراکز اشاعه فرهنگ و در این  
 بخش وضع کتابخانه‌ها، موزه‌ها،  
 سینماها، گالریهای هنری و مراکز  
 فرهنگی به معنای اخص کلمه مورد  
 بررسی قرار گرفته است.

بخش چهارم درباره میزان  
 استفاده از وسایل فرهنگی است و  
 درباره تعداد دارندگان دستگاههای  
 رادیو و تلویزیون و میزان استفاده  
 از برنامه‌ها و همچنین درباره آمار  
 ونسبت‌های مطالعه کتاب، مجله و  
 روزنامه و آمار بازدیدکنندگان

موزه‌ها و بالآخره درباره تعداد  
 کسانی که به سینما می‌روند اطلاعاتی  
 داده شده که متکی بر آمارها و  
 مطالعات رسمی و نیمه رسمی است.  
 در پایان گزارش فهرست جامعی  
 از کلیه مؤسسات و سازمانهایی که  
 بنحوی در زمینه نگهداری و اشاعه  
 مظاهر فرهنگ ایران فعالیت دارند،  
 تحت عنوان «ضمیمه» آمده است.

روش کار در تهیه این گزارش  
 این بوده است که از همه سازمانهای  
 دولتی که در یکی از شاخه‌های  
 فرهنگ فعالیت دارند درخواست  
 شده تا گزارش اجمالی کارهای  
 انجام شده سال ۴۷ خود را به  
 دبیرخانه ارسال دارند و برای همه  
 موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سینماها،  
 گالریها، انجمنها و امثال آنها نیز  
 پرسشنامه‌هایی فرستاده شده است.  
 و اطلاعات مندرج در این گزارش  
 مبتنی بر مطالب پرسشنامه‌ها و  
 گزارشهای رسمی است که غالباً  
 استفاده و استخراج اطلاعات صحیح  
 از آنها خالی از اشکال نیست چرا  
 که معمولاً به جنبه انشائی و توصیفی  
 بیشتر توجه می‌شود.

دبیرخانه شورای عالی فرهنگ  
 و هنر در مقدمه این گزارش اظهار  
 امیدواری کرده است تا با همکاری  
 و همکاری همه کسانی که به فرهنگ  
 این سرزمین دل بسته‌اند و همه  
 سازمانهایی که در راه اشاعه و  
 اعتلای فرهنگ ایران خدمت  
 می‌کنند، بتواند گزارش سالهای

بعد را با دقت و جامعیت بیشتری تهیه و تدوین نماید .



صور و اسباب در شعر امروز ایران

نویسنده : اسماعیل نوری علا  
ناشر : سازمان انتشارات بامداد  
قطع رقعی . ۵۸۱ صفحه . بها  
۲۵۰ ریال

چون نسل جوان ما ، با آنکه اقبال زیادی به کتابهای شعر نشان میدهد ، از علل و موجبات ظهور شعر و تقدم و تاخر نهضت‌های شعری چندان اطلاعی ندارد ، این کتاب برای آن نوشته شده است تا فرصتی برای طبقه جوان جهت آشنائی آنان با سیر تحول شعر جدید ایران فراهم آورد و جهش‌ها و چهره‌های درخشان شعر امروز ایران را از دیدگاهی انتقادی و تحقیقی بشناساند . این کتاب که شماره اول از سری « چشم

انداز شعر امروز» است منظرة وسیعی از شعر امروز ایران را پیش چشم خواننده می‌گشاید و در چهارده بخش و در سه دفتر بترتیب زیر تدوین گردیده است :

- ۱- کلیات
- ۲- مباحث اساسی
- ۳- اجزاء شعر
- ۴- مباحث کلی شعر
- ۵- شعر قدیم و جدید ایران
- ۶- شعر نو
- ۷- اولین دوره شعر نو
- ۸- دومین دوره شعر نو
- ۹- سومین دوره شعر نو
- ۱۰- شعر موج نو
- ۱۱- منظومه سرایی
- ۱۲- شعر و نمایش در ایران
- ۱۳- نگاهی به سال ۱۳۴۵ و شعر جوانان
- ۱۴- چند مطالعه .



## طلاق

«رشید بوجدرا» نویسنده جوان الجزایری است که با کتاب «طلاق»

شهرت فراوانی بدست آورده است . این کتاب از طرف بعضی از جرائد فرانسه به عنوان کاندیدای جایزه «رونودو» (Renoudot) معرفی شد و در ژانویه گذشته جایزه آنفان تریبیل (Enfants Terribles) که از ژان کوکتو به یادگار مانده است ، به آن تعلق گرفت . کتاب طلاق ، وضع و مقام زن را در جامعه اسلامی مورد مطالعه قرار می‌دهد . هفته‌نامه «نوول لیتر» به مناسبت انتشار این کتاب با «رشید بوجدرا» که به تعلیم فلسفه در یکی از دبیرستانهای پاریس اشتغال دارد ، ترتیب داده است ، درباره اینکه آیا کتاب او را

می‌توان «کتاب خشم و عیب» نامید رشید بوجدرا پاسخ می‌دهد که نه کاملاً ، زیرا زمان او نوعی برداشت است که با بعضی قوانین و سنت‌های اسلامی و از آن جمله مسأله وضع و مقام زن به مخالفت برمی‌خیزد . موضوع کتاب ، طلاق یکطرفه از طرف مرد و حق اختیار چندین همسر در آن واحد است . واقعیت قضیه اینست که نویسنده خود فرزند مرد چهارزنده‌ای است و هرگز از مهر پدری برخوردار نشده و مادرش نیز مطلقه شده است . کتاب طلاق اگرچه در فرانسه موفقیت قابل توجهی کسب کرده اما هنوز در وطن نویسنده ، یعنی الجزایر ، اجازه انتشار نیافته است .

### اخراج سولژنیتسین از اتحادیه نویسندگان

روز پانزدهم نوامبر گذشته، اتحادیه نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی جلسه‌ای یا بیتر، محکمه‌ای انتظامی تشکیل داد. قضات این محکمه که از نویسندگان گمنام شوروی تشکیل شده بود، چنین رأی دادند که آلکساندر سولژنیتسین (A. Soljenitsine) به جرم داشتن رفتار ضد اجتماعی و نقاشی تیره رنگ زندگی خلق روس، از عضویت اتحادیه خلع می‌شود.

دو هفته بعد از اعلام این رأی مقامات فرهنگی مسکو نیز او را دعوت به جلائی وطن کردند.

سولژنیتسین سالها بود که از ادبیات شوروی حذف شده بود. بعد از رمان «خانه ماتریونا» که در ۱۹۶۳ به چاپ رسید، دیگر هیچکدام از آثارش در این کشور زیر چاپ نرفت. اعلام رأی قضات دادگاه اتحادیه نویسندگان، در حقیقت اعلام شکست طبقه روشنفکر شوروی بود. هر چند که این طبقه هنوز هم کم و بیش و محجوبانه، درگیریهایی با حکومت دارد. و از جمله ارسال بیانیه‌هایی به سازمان ملل متحد برای اجراء قرارداد بین‌المللی حقوق بشر در شوروی.



جرم سولژنیتسین اینست که دواثرش، يك سال پیش در خارج از شوروی چاپ شده است. این دو اثر، «دایره نخستین» و «بخش سرطانی‌ها» است. سولژنیتسین با انتشار کتب خود در خارج مخالفت کرده اما هرگز حاضر نشده است که محتوای آنها را انکار کند.



مثنوی جمشید و خورشید اثر سلمان ساوجی به اهتمام ج. پ. آسموسن - فریدون وهمن، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

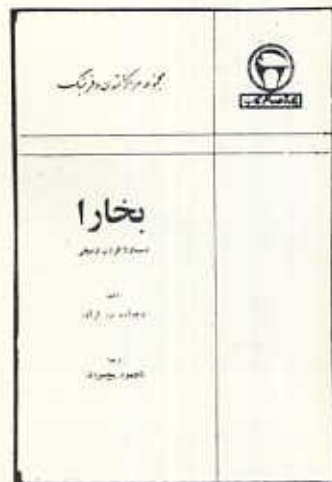
رساله جامع علوم انسانی

«سلمان ساوجی» که از آخرین مدیحه سرایان قرن هشتم است (۷۰۰-۷۷۸) دو مثنوی عاشقانه دارد بنام «جمشید و خورشید» و «فراقنامه» که آنها را به ترتیب در سالهای ۷۶۰ و ۷۷۰ هجری سروده است. این شاعر در تمام مدت عمر مداح جلالیریان بوده است و مثنوی

«جمشید و خورشید» را نیز به پاس حق نعمت پنجاه ساله‌ای که از این خاندان بر عهده خویش می‌شناخته سروده است. دیوان سلمان تاکنون چندین بار در هند و ایران چاپ شده و آخرین طبعی از آن که در تهران و در همین سالهای اخیر منتشر شده مثنویهای او را نیز حاوی است ولی مثنوی «جمشید و خورشید» او شاید نخستین بار باشد که بصورت انتقادی و اینچنین پاکیزه و دلپسند از چاپ خارج گردیده است.

موضوع این مثنوی که از آثار زیبا و خوب سلمان ساوجی است داستان شیفتگی و عشق شاهزاده‌ای چینی بنام جمشید است به شاهزاده خانمی رومی بنام خورشید. این دلدادگی پس از یک رویای شیرین بر جان شاهزاده چینی چنگ انداخته سبب می‌شود که او در راه وصول به محبوب، خود را در مهالک گوناگون (جنگ با دیوان و غرق شدن در دریا و...) بیفکند و پس از گریز و دارهای بسیار و شکست دادن رقیب، دامن وصل معشوق فراچنگ آورد و با او پیمان وصال جاودان ببندد. چاپ این کتاب نتیجه زحمت و کوشش آقایان ج. پ. آسموسن و فریدون وهمن است که ظاهراً هر دو دروس اپرانتناسی در دانشگاه کینهاک را به عهده دارند و برای تهیه متن از چهار نسخه خطی که

یکی از آنها عبری بوده است استفاده کرده اند .



بخارا . دستاورد قرون وسطی .  
تألیف ریچارد فرای  
ترجمه محمود محمودی .  
از نشرات بنگاه ترجمه و نشر کتاب  
مجموعه مراکز تمدن و فرهنگ .

برای مطالعه در تاریخ شهر بخارا غیر از کتابهای تاریخ عمومی از قبیل طبری و کامل التواریخ و روضة الصفا و کتب جغرافیائی مهم از نوع معجم البلدان و احسن التقاسیم دو کتاب مستقل نسبتاً مهم برای فارسی زبانان وجود داشت یکی از قرن ششم بنام «تاریخ بخارا» و دیگری از قرن نهم بنام «تاریخ ملازاده» که هر دو بفارسی سلیسی و ساده و روشن نوشته شده است ، و اکنون کتاب «بخارا دستاورد

قرون وسطی» تألیف ریچارد فرای ترجمه و منتشر شده است ، که مسلماً برای تکمیل اطلاعات ما درباره این شهر تاریخی کمکی مؤثر خواهد بود .

چنانکه میدانیم بخارا یکی از مراکز مهم فرهنگ و ادب و هنر ایران و پایتخت سلاطین سامانی در قرنهای سوم و چهارم هجری بوده است .

پادشاهان این دودمان در ترویج و احیای زبان فارسی کوششهای بسیار کردند بطوریکه با وجود تسلط ممتد اقوام ترک زبان آسیای مرکزی هنوز عده زیادی در آن شهر به پارسی سخن می گویند . بخارا از لحاظ تاریخ نیز شاهد رویدادها و تحولات بسیار بوده است و نویسندگان کتاب با مراجعه به مأخذ معتبر و تحقیق در متون و اسناد کهن ، تاریخ جامع این شهر را از جهات سیاسی و اجتماعی و نیز اثر نظر ادبی و هنری پر شده تجزیه و کشیده است . لکن نکته ای که در این تألیف تاریخی بارز و اثری از سایر آثار مشابه امتیاز می بخشد ، کوشش مؤلف در اثبات این دعوی که در پایان قرن سوم و سراسر قرن چهارم هجری بخارا بصورت مرکز حوزه فرهنگی شرق ایران، وارث سنن مستقل از فرهنگ و سنن غرب ایران و در عین حال مظهر تحول جدیدی شد که باید از آن به «نظام ایرانی اسلامی»

تعبیر کرد . نظامی که گذشته را با دین و رهاورد پیغمبر اسلام بهم آمیخته بود . این تحول که برخی آنرا رنسانس جدید ایرانی نامیده اند ، سراسر ایران را در نوردد و از آن نیز فراتر رفت و بعضی نیز آنرا عکس العمل «ناسیونالیسم» ایرانی برضد اسلام عرب تصور کرده اند و به این طریق از ارزش آن کاسته اند ؟ .

بنظر مؤلف ، این تحول کوشش عوققی بوده است برای نجات اسلام در زمینه عربی و آداب و رسوم بدوی آن ، زیرا که اسلام را به فرهنگی غنی تر و انطباق پذیرتر و جهانی تر از آنچه قبلاً بود تبدیل ساخت و سامانیان بودند که راه عملی این تحول را نشان دادند بنحوی که بعدها اقوام دیگر نیز همان راه را در پیش گرفتند . بهر حال بخارا طی قرون متمادی اهمیت خویش را حفظ کرد ، لیکن عصر شکوه و جلال آن هنگامی بود که ادبیات جدید فارسی در قلمرو سامانیان آغاز شکفتن کرد .

کتاب فرای که در هشت قسمت و در حدود دویست و هفتاد صفحه تدوین گردیده برای کسانی که بخواهند از این شهر تاریخی اطلاعات نسبتاً جامع و مستندی داشته باشند ، مرجع ارزنده ای خواهد بود .

- ۱- از پیشگفتار کتاب صفحه ۹
- ۲- همان مأخذ .



آقای رئیس جمهور  
 نوشته میگل آنجل استوریاس  
 ترجمه زهرای خانلری (کیا)  
 ناشر: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی  
 بها با جلد شمیز ۱۶۵ ریال باجلد زرکوب ۲۱۵ ریال

در سال ۱۹۶۷ که جایزه نوبل نصیب استوریاس شد - برخلاف سالهای دیگر که کشاکشها برمیخاست و گروهی، داوران این جایزه را به باد انتقاد می گرفتند و می گفتند که مسائل دیگر را بیشتر از ارزش هنری و ادبی، مورد توجه قرار می دهند و . . . الخ - همه منتقدان هیأت داوران نوبل را ستودند، و کمتر کسی زبان به بدگوئی گشود.

روزنامه «کومبا» پیش از اینکه جایزه نصیب استوریاس شود نوشت: «جایزه ادبی نوبل بزودی ادبیات

امریکای لاتین را مورد توجه قرار می دهد. کسی به اندازه میگل آنجل استوریاس استحقاق این جایزه را ندارد.»

در مورد کتاب آقای رئیس جمهور باید بگوئیم که قبل از اینکه نویسنده اش برنده جایزه نوبل شود خود این کتاب در فرانسه جایزه ادبی «بهترین زمان خارجی» را بدست آورد. و از آن پس به اغلب زبانها ترجمه شد.

این کتاب تصویر مردم گواتمالاست که در زیر سلطه کابرا دریکتاتور مستبد و بی رحم، زندگی پر از وحشت و دردمباری داشتند. نشریه ادبی تایمز درباره این اثر چنین می نویسد: «قدرت تخیل آقای استوریاس حد و حصری نمی شناسد. کتاب همچون برده ایست که بر آن تصاویر فراوان درباره همه شقوق زندگی به نحو بسیار زنده ای طرح شده است، چنانکه بخوبی قادر است آن اثر خردکننده وحشت و بیعدالتی دستگاه اجتماع را به خواننده منتقل کند.»

آزادی یا مرگ  
 نوشته نیکوس کازانتزاکیس  
 ترجمه محمد قاضی  
 ناشر: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی  
 بها با جلد شمیز ۳۰۰ ریال باجلد زرکوب ۳۶۵ ریال

تا این اواخر در ایران کمتر



کسی نیکوس کازانتزاکیس را می شناخت. فیلم زوربای یونانی ما را با هنرمند متفکری که خالق اصلی این اثر بزرگ بود، آشنا ساخت. چون فیلم با اقبال همگان روبرو شد، کتابش نیز چندبار به فارسی درآمد. اما هیچیک از ترجمه های آنرا (شاید به سبب شتاب، تا یاد فیلم از خاطره ها نرود و بازار فروش از دست نشود) نمی توان موفق خواند.

کازانتزاکیس چنان نویسنده ایست که «توماس مان» هنگام دریافت جایزه نوبل درباره او گفت که «در جهان مردان بزرگتر از من بسیارند و این جایزه حق آنهاست. از آنجمله کازانتزاکیس است» و آلبر کامو نیز پس از بردن جایزه نوبل که مقارن با مرگ نیکوس کازانتزاکیس بود برای همسر کازانتزاکیس نوشت: «همیشه به

آثار شوهر شما نظر تحسین آمیز داشته‌ام . . . این نکته را فراموش نمی‌کنم که در آن روز که به دریافت جایزه نوبل نائل آمدم - و شوهر شما در این مورد صديبار محق تراز من بوده - تلگراف تبریک صمیمانه‌ای از او دریافت داشتیم. پس از وصول این تلگراف بود که با بهت و حیرت دریافتیم که نوشتن آن چند روز قبل از مرگ او بوده است . . .»

آزادی یا مرگ حماسه‌ایست از یونان معاصر . ما حماسه‌های کهن یونان را می‌شناسیم . اما کازالتراکیس کسی است که حماسه‌سرای یونان امروز باشد باید خواند . او حتی بر او دیسه همز منمی نوشته است به نظم ، به نام «اولیس» ، که منتقدان آن را مکمل کار همز خوانده‌اند .

گفتیم آزادی یا مرگ حماسه است ، حماسه‌ای زاده جنگ کرتیان با اشغالگران عثمانی ، جنگ پارتیزانی ملتی کوچک با نیروئی عظیم چون امپراطوری عثمانی . قهرمان کتاب «پهلوان میکلس» گرچه تنی خاکی دارد ولی خصالی برتر از مردم عادی دروست . اخیلوس دیگر نیست در جهان ما . در جهان راستین نه جهان خیالی حماسه‌های کهن . او برای «آزادی» کسرت از همه چیز می‌گذرد ، با علم به اینکه شکست ختمی است و مرگ ، آخرین نصیب

او ازین جنگ . او تا واپسین دم می‌جنگد ، تن به تن می‌جنگد و مرگ را بر زیست دریوغ تسلط عثمانیان ترجیح می‌دهد .

# معرفی نشریه



پژوهش‌های ایران

نیازی که برای حفظ و احیاء و کشف میراث‌های تمدن و هنر ایران احساس می‌شود ، نیازی است اصیل . خامه‌هنگامی که جستجوها و کوشش‌ها در راه تدوین ضوابطی متقن بر اساس تمامی مدارک و مشهودات باشد . انتشار مجله

«باستان‌شناسی و هنر ایران» ، پاسخگوی این نیاز است . براین مبنا ، در مقدمه آخرین شماره مجله ، یعنی شماره ۳ (تابستان ۴۸) چنین می‌خوانیم :

«باید توجه داشت آنچه که تاکنون درباره تاریخ و فرهنگ گذشته این سرزمین عنوان شده است ، چنانکه باید براساس همه مدارک مکشوف استوار نبوده است . اگر فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای را که در طی سالهای اخیر در زمینه بررسی‌ها و کشفیات باستان‌شناسی صورت پذیرفته‌است ، در نظر آوریم ، مشاهده خواهیم کرد که زمان آن فرارسیده تا درباره مشخصات و چگونگی برخی از دورانها اظهار نظر روشن‌تر و صحیح‌تری بنمائیم . بررسی خصوصیات و ویژگی‌های هنر ایران از دیرباز تاکنون و گفتگو و اظهار نظر درباره فلسفه هنر ایران نیز موضوع قابل ملاحظه‌ای است که جا دارد باستان‌شناسان و صاحب نظران و متخصصان تاریخ هنر ، با انجام یک رشته بررسی‌ها و تحقیقات اصیل با دید ایرانی و نه براساس برداشت و نحوه دریافت محققان مغرب زمین ، مورد مطالعه قرار دهند .»

مجله باستان‌شناسی ، راه‌گشای این نیت و هدفها است . نگاهی به مطالب این شماره این نکته را بازمی‌گوید: متون ریاضی درشوش ، از غلامحسین مصاحب - نقاشیهای

پیش از تاریخ درغارهای لرستان، ازحمید ایزدیناه - گزارش مقدماتی بررسی و حفاری درغارهای منطقه کوهدشت، از مک‌بورنی، ترجمه رحمتیان - شیشه به جای جواهر در هنر باستانی ایران، از عباس مزدا - تحقیقی درباره شب غازان از محمدجواد مشکور - برجهای سنگی شمیران و رابطه آن با بنای «استودانهای» ساسانی، از پرویز ورجاوند - در پیرامون تاریخ پژوهش کتیبه بیستون، از م. ا. داندمایف، ترجمه عنایت‌الله رضا - بازار ایران، از محمدکریم پیرنیا - نام‌هفت‌شهرمدائن، از امام‌شوشتری - حفاری در دژ «اورارتوئی» بسطام (ولفرایم کلایس) و ... .  
در پایان شماره سوم، خبرهای باستان‌شناسی و ترجمه خلاصه‌ای جامع از تمام مقاله‌ها، به زبان فرانسه درج شده است.

### دوره جدید مجله موسیقی

پس از مدتی تعطیل، مجله موسیقی دوباره انتشار یافت و آنچه‌آنکه در سرمقاله دوره سوم اعلام نموده است قصد دارد «... از خود پایگاهی برای یک‌سئیزه منطقی به منظور تقویت روح انتقادپذیری... و تریبون آزادی برای نظرات موسیقیدانان و موسیقی شناسان بسازد.» و ضمن آن می‌گوید «... در رویارویی با جامعه پویای موسیقی جهانی آئینه



شفافی باشد... ازین نکته نیز غافل نیست که بیش از هر چیز بازتاب فرهنگ و هنر ملی باشد.»  
در این شماره (۱۲۴ - ۱۲۳، دوره سوم، مرداد - آبان ۱۳۴۸) چند مقاله به جشن هنر شیراز اختصاص داده شده است. گذشته از گفتاری چند در ادامه مطالب شماره های گذشته مجله مانند «داستان مصور موسیقی مغرب‌زمین» و چند گفتار مستقل دیگر، برگردان آزادی از آئن دانیلو توسط م. خوشنام زیر عنوان «گشتار فرهنگی» می‌بینیم. از آنجا که گفتار «دانیلو» درباره فرهنگ کشورهای آفریقائی - و ازین رهگذر تشلیی درباره تمام کشورهای «دنیای سوم» - است، بدنیست که بر روی آن کمی تأمل کنیم. بدون شك نویسنده به نکات درستی اشاره میکند.

نگاه کنید که يك برداشت نادرست چگونه مورد انتقاد شدید دانیلو است: «... هر چیز که «سنفونیک» نیست تنها نوعی «فولکلور» است که به شکل فرآورده اولیه گروه‌هایی از نژادهای انسانی فراهم آمده است که عقب مانده و تکامل نیافته‌اند. این برداشت رومانیتیک و تکراری فاقد هرگونه اعتبار است و هیچ چیز، آنرا به اثبات نمی‌رساند. هرچند که در حال حاضر در آفریقا - هم چنانکه در سایر سرزمین‌های «دنیای سوم» - استعمار سبعیت و وحشی‌گری گذشته خود را از دست هشته است و دیگر دست‌به‌برده‌داری و قتل‌عام نمی‌یازد - ولی تئوری کهنه «برتری نژادی و فرهنگی» هنوز به شدت در این سرزمین‌ها تبلیغ می‌شود. آنچه تغییر‌پذیرفته، شکل خارجی و بیش از همه روش - های استعماری است و نه زیربنای اندیشه‌های آن. «استعمار فرهنگی»، همراه با کمک‌های اقتصادی در حال حاضر به شکل ظریف‌ترین وسیله انقیاد و در بند کشیدن درآمدده است...»

با این حال دو نکته در این مقال مسکوت مانده است: نکته اول درباره تأثیر آن موسیقی «مخدر» است که در حال حاضر در کشورهای اروپایی بیش از آفریقا، مردم را به «اعتیاد» کشیده و جایی بس بزرگ در میان



برمی آید، مجموعه ای است از شعر و داستان با چاپ و تنظیمی چشم نواز که به همت گروهی از دانشجویان دانشگاه پهلوی و زیر عنوان «گروه دانشجویی کمک» نشر یافته است.

در این دفتر شعرهایی می خوانیم از: اوجی - برمکی - حاتمی - خاقتی - شهری - موحد - شمیسا و... و در بخش دوم، داستانهایی از: جهان بین - فقیری (ابوالقاسم) فقیری (امین) و همایونی و...

با اینکه جای نقد و ارزیابی شعر و داستان و یا ترجمه آثار ارزشمندی از این دست و... در این دفتر خالیست، می توان از این نقائص و کمبودها در گذشت به این امید که کوششهای بعدی، این کم و کسر را جبران کند و این دفتر، در میان نشریات معتبر شهرستانی مثل جنگ اصفهان و بازار رشت جای خود را باز نماید.

و یا مدارس موسیقی درجه سوم غربی در این قاره اهتمام می ورزد. بدینگونه، این «روشنفکران دروغین» خود تبدیل به واردکنندگان این «فرهنگ صادراتی» می گردند که محصولی از مجامع غربی است.

\*\*\*

دوره تازه مجله موسیقی با همکاری محمود خوشام که سالها در موسیقی مطالعه و تحصیل کرده است آغاز شده و با تجربه یی که در طرح و نقد مسایل موسیقی دارد، انتظار می توان داشت که مجله موسیقی بیش از پیش مورد توجه و ستاداران موسیقی و موسیقی شناسان قرار گیرد.

پرویز منصوری

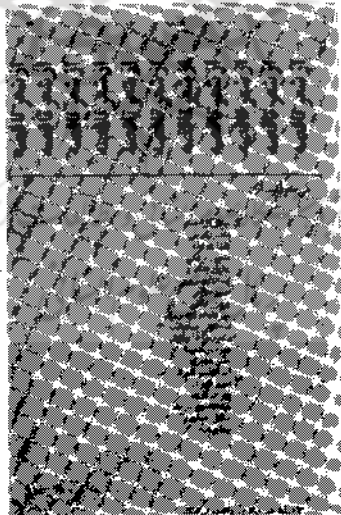
«پرفروش ترین موسیقی ها» باز کرده است. اگرچه نمی توان انتظار داشت که دانیلو در گفتار انتقادآمیز درباره آفریقا، از این نکته نیز یادی کند، اما بهرحال نباید این واقعیت را نادیده گرفت که «استعمار» از سرچشمه منافع طبقاتی پدیدار می شود و این منافع «مرز»ی نمی شناسد و هرچا برایشان آسانتر باشد و «پر مداخل تر»، در آنجا سفره می گسترند. و نکته دوم، اینکه «استعمار فرهنگی» به منظور تحمیل فرهنگ اروپایی به آفریقا صورت نمی گیرد، بلکه با این انگیزه رهبری می گردد که نسل های اتکایی تربیت کند و ازین رهگذر به انقیاد خود ادامه دهد. در این مورد حقیقتی در گفتار نویسنده آمده است:

«... گروه های کوچکی که همواره به سوی غرب نظر دارند به سبب زبان دانی و نیز نحوه تفکر غرب زده خود، هم چنان عامل تعیین کننده و واسطه واقعی غرب-گرایی به شمار می روند. ایشان هموار به عنوان «تقاضا کننده» در سازمانهای بین المللی شرکت می جویند و در این مراکز برنامه های فرهنگی سرزمین خود را تعیین می کنند. بدینگونه جای شگفتی نیست که فی المثل «یونسکو» پیش از آنکه در زمینه سنت های موسیقی آفریقائی فعالیت داشته باشد، در تأسیس آرکسترهای ناهنجار شهری



۷ هنر

«۷ هنر» فصلنامه ای است که نخستین



از شعر تا قصه

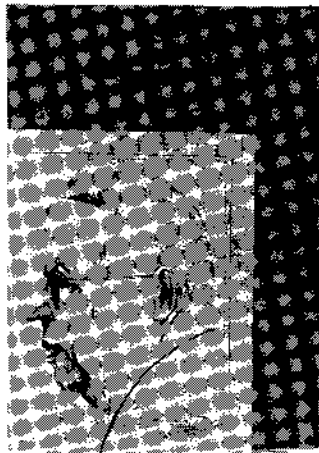
«از شعر تا قصه» همچنانکه از نامش

شماره آن در اواخر زمستان گذشته منتشر شده است. در مقاله، هدف از انتشار مجله، چنین بیان شده است:

«مجله هفت هنر، برای شناساندن هنرهای هفتگانه: ادبیات - تئاتر - موسیقی - رقص - نقاشی - معماری مجسمه‌سازی و فیلم... چاپ می‌شود.» گستره‌ای چنین وسیع را پیش‌چشم داشتن، خود همتی بلند می‌خواهد.

در روزگاری که ماهنامه‌ها، و جنگ‌ها و فصلنامه‌ها، می‌کوشند به یکی از زمینه‌های هنرهای هفتگانه بپردازند، آنهم غالباً نارسا و ناقص، طرح چنین مدعایی چندان ساده نیست، خاصه که هر روز، تعریف‌ها دقیق‌تر و معیارها متقن‌تر و علمی‌تر می‌شود و هنرها و جوهری کاملاً تخصصی می‌یابند.

امید آنکه در شماره‌های بعد، نشریه هفت هنر، جامع‌تر و پربارتر بدست خواننده برسد.



کتاب زمان ویژه «ژان پل سارتر»

«کتاب زمان» تاکنون چهار دفتر انتشار داده است. دفتر اول ویژه «امه سرز» شاعر سیاه‌پوست،

دفتر دوم، درباره «هنر شاعری» و کتاب سوم زمان ویژه «هنر تئاتر» بود.

اکنون چهارمین دفتر، - شاید به علت انتشار «ادبیات چیست» - ویژه‌نامه‌ای است مختص سارتر. مقالات این دفتر عبارتست از: «نمایشنامه مگسها و کارگردانش» تازه‌ترین مقاله سارتر درباره «شارل دولن» که او را پدر تئاتر نو فرانسه نامیده‌اند. این مقاله را سارتر به مناسبت بیستین سالگرد درگذشت «دولن» نوشته است. «گفتگو با سارتر» مطلب دوم دفتر است. سومین مطلب ترجمه مقاله‌ای است از «ژان لاکراوا» با عنوان «اندیشه فلسفی سارتر» که مع‌التأسف، ترجمه آن غالباً نارسا و مبهم است.

مطلب بعد - و شاید بهترین مطلب این دفتر - ترجمه صفحاتی است از یادداشت‌های سیمون دوبوار «همسر و همفکر و همگام» سارتر که خود در عین حال، نویسنده‌ای است پیشرو با آثاری گرانقدر. در این قسمت، سیمون دوبوار، از سفر «فانون» به پاریس، بازگشت سارتر از شوروی و مرگ کامو و... سخن می‌گوید. در سطوری که به «مرگ کامو» اشاره می‌کند، چنین می‌خوانیم:

«سرانجام برخاستم. دیوانه‌وار لباس پوشیدم و در تاریکی به راه افتادم.

این غم مردی پنجاه‌ساله نبود، غصه مرد راستکار ولی راه گم کرده‌ای نیز نبود که به خوبی خودخواهیش را پنهان می‌داشت... بلکه غم هم‌رزم سالیان امید بود که دیگر نه چهره‌اش به آن خوبی می‌خندید و نه تبسم می‌کرد؛ غم نویسنده‌ای جوان و بلندپرواز و دیوانه زندگی بود و غم خوشی‌هایش، پیروزی‌هایش، دوستی، عشق و خوشبختی‌اش... کامو به آن صورت که من دوستش داشتم از دل شب برمی‌خواست و در هماندم محو می‌شد. همیشه وقتی انسانی می‌میرد همراه او یک کودک، یک نوجوان و یک جوان نیز می‌میرد و هنگام گریستن، هر کس برای زمانی از زندگی او که برایش عزیزتر بوده می‌گریند.»

شرح عکس صفحه مقابل سامپینگه

(الگو برای برنج، ارتفاع ۳۳ سانتیمتر.) اثر «دورا اسمودا» (خوب نظر) معلم زبان آلمانی در دانشگاه پهلوی. خانم اسمودا پیکرتراشی است که در اغلب آثار خود گرایشی به فلسفه و عرفان شرق نشان می‌دهد و یکی از دوستداران آثار صادق هدایت است. تاکنون داستانهای سه قطره خون، داود گورژ پست، تاریکخانه و سامپینگه هدایت را به زبان آلمانی برگردانده است. از کارهای تازه خانم اسمودا، پیکره نیم‌تنه‌ای است از امیر کبیر که با برنز ساخته شده است.